



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۱، زمستان ۹۵

آینده‌پژوهی و سناریونگاری برای برنامه‌ریزی توسعه محله‌ای بر پایه تحلیل سیستمی با مطالعه محله سنگلج تهران

زهرة فنی^۱، لاله کاظمی^۲

چکیده:

از آنجا که جامعه شهری سیستمی است پویا، پیچیده و دارای عدم قطعیت‌های بسیار، برنامه‌ریزی با رویکردی صرفاً عقلانی و بر پایه فرایندهای خطی برای آن دور از انتظار است. این پژوهش با تحلیل سیستمی و با تأکید بر ضرورت شناسایی عوامل مؤثر بر سیستم، در پی شناخت و استخراج ساختارهای شکل‌دهنده سیستم‌ها برای برنامه‌ریزی توسعه در سطح محله‌ای است. از نظر روش‌شناسی، پژوهش حاضر از نوع تحقیقات شناختی است. داده‌های موردنیاز پژوهش شامل داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی و داده‌های مربوط به ادراک ساکنین و تصمیم‌سازان در امور مدیریت شهری است. با استفاده از روش تحلیل اثرات متقاطع و براساس ضریب اهمیت و همچنین عدم قطعیت آن‌ها، همبستگی این عوامل با «توسعه محله» بررسی شد. نتایج پژوهش نشان داد، از میان سی عامل بررسی شده، چهار عامل بالاترین اثرگذاری و اثرپذیری را بر سیستم دارند: نقش و عملکرد فرامحلی محله سنگلج و نبودن محرک‌های نوسازی و فرسودگی بافت، عدم امنیت فضای محله و نبودن خدمات تفریحی و رفاهی مناسب جهت گذران اوقات فراغت ساکنان. این عوامل از محورهای اصلی شکل‌دهنده سناریوهای توسعه آتی محله سنگلج محسوب می‌شوند. نگارندگان این مقاله معتقدند فرایند آینده‌پژوهی موردنظر در این پژوهش در مقایسه با فرایندهای کنونی برنامه‌ریزی استراتژیک، بر پایه ارائه آلترناتیوهای ذهنی و بدون در نظر داشتن زمینه‌ها و عوامل کلیدی مؤثر بر ساختارهای هدایت‌کننده و اثرگذار بر محیط برنامه‌ریزی، درجه بالایی از واقع‌گرایی، پاسخگویی و انعطاف‌پذیری را دارد.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی، تحلیل سیستمی، تحلیل اثرات متقاطع، سناریوسازی، محله سنگلج.

۱-دانشیار دانشگاه شهید بهشتی z-fanni@sbu.ac.ir

۲-کارشناس ارشد سازمان زیباسازی شهر تهران kazemilaleh1@gmail.com



۱. مقدمه و بیان مسئله

سرعت پرشتاب علم و آگاهی سبب بروز تحولات گسترده اقتصادی و اجتماعی، افزایش رقابت در عرصه‌های گوناگون و ضرورت پیشرفت همه جانبه جوامع شده و تلاش‌ها و پژوهش‌های آینده‌نگرانه را ضروری ساخته است (رک: خزائی و الهی‌دهقی، ۱۳۹۲: ۶). توسعه فزاینده تکنولوژی‌ها و سرعت ارتباطات و ظهور مسائل گوناگون در ابعاد مختلف جوامع بشری موجب شده است نظام‌های بررسی و تحلیل مسائل دستخوش پیچیدگی فزاینده‌ای شود؛ به گونه‌ای که جوامع انسانی با شمار بالایی از متغیرهای تأثیرگذار مواجه‌اند. پیچیدگی، عدم قطعیت، تغییرات شدید درهم‌تنیدگی و پیش‌بینی‌ناپذیر بودن از ویژگی‌های انکارناپذیر نظام‌های شهری و منطقه‌ای قرن بیست و یکم است. از آنجا که شهر نیز سیستمی پویا و پیچیده، آشوبناک و دارای عدم قطعیت‌های فراوان است، دور از انتظار است که بتوان با رویکردی صرفاً عقلانی و بر پایه فرایندهای خطی برای آن برنامه‌ریزی کرد.

محله سنگلج یکی از قدیمی‌ترین محلات شهر تهران است که در آن کیفیت‌های سکونتی - به دلایلی مانند عدم استحکام بنا، نداشتن دسترسی‌های مناسب و عمدتاً بسیار باریک و ناکارآمد، پایین بودن سرانه‌های خدماتی در داخل محله و... بسیار کاهش یافته است. این محله در پی تحولات دهه‌های اخیر شاکله اصلی خود را حفظ کرده اما کارایی‌اش را از دست داده است. سوؤال اصلی پژوهش حاضر این است که رویکرد آینده پژوهی چگونه به تدوین راهبرد توسعه محله سنگلج کمک می‌کند؟ کوشیده‌ایم با تأکید بر تحلیل سیستمی عوامل مؤثر بر توسعه محله سنگلج شناسایی و سناریوهای توسعه محله و راهبردهای تحقق سناریو منتخب گردد عرضه شود. نگارندگان این مقاله معتقدند فرایند طرح‌شده در این پژوهش می‌تواند واقع‌بینانه‌تر، اثرگذارتر و انعطاف‌پذیرتر از فرایندهای کنونی برنامه‌ریزی استراتژیک بر پایه تحلیل‌های بی‌حد و مرز تکنیک SWOT و ارائه الترناتیوهای ذهنی و بدون در نظر داشتن زمینه‌ها و عوامل کلیدی مؤثر بر ساختارهای هدایت‌کننده و اثرگذار بر محیط برنامه‌ریزی باشد.

از محدودیت‌های انجام این پژوهشکه از نوع بنیادی است می‌توان به این موارد اشاره کرد: کمبود منابع مرتبط و دست اول؛ ضعف داده‌ها و به‌ویژه نبودن آمار جدید در مورد این محله؛ گاهی، پاسخ دهی‌های در مواردی، پاسخ‌های سطحی و غیر کارشناسانه برخی از نیروهای مدیریت شهری و محله‌ای که سبب تجدید برخی از پرسشگری‌ها می‌شدگشته است؛ و سرانجام، همچنین محدودیت‌های مالی و زمانی که البته در اغلب پژوهش‌های بنیادی وجود دارد.

۲- پیشینه و چارچوب نظری

۱.۱. تطور تاریخی رویکردهای برنامه‌ریزی شهری

برنامه‌ریزی فرایندی است منظم، مداوم، حساب‌شده، منطقی، جهت‌دار و دورنگر که به منظور هدایت و ارشاد فعالیت‌های جمعی برای رسیدن به هدف مطلوب. به‌طور کلی اهداف برنامه‌ریزی عبارت‌اند از: ۱. پیش‌بینی آینده؛ برنامه آینده‌نگر؛ ۲. برنامه ساختن و شکل دادن به آینده؛ برنامه آینده‌ساز؛ ۳. برنامه برای انتخاب یک شکل خاص برای آینده؛ آینده‌گزین (محمدی، ۱۳۹۳).

در چشم‌انداز کلی می‌توان تحول نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در کشورهای پیشرفته جهان را در طول قرن بیستم به سه مرحله اساسی تقسیم کرد. در واقع می‌توان از سه پارادایم یا نظریه اصلی نام برد که هر کدام در محدوده زمانی معینی نقش غالب و فراگیر داشته است. در جدول شماره ۱ مشخصات اصلی این سه پارادایم به اختصار معرفی شده است. این سه پارادایم به ترتیب عبارت‌اند از:

الف. پارادایم برنامه‌ریزی جامع یا برنامه‌ریزی عقلانی؛

ب. پارادایم برنامه‌ریزی سیستمی؛

ج. پارادایم برنامه‌ریزی دموکراتیک (اجلالی و رفیعیان، ۱۳۹۱).



جدول ۱. تحول پارادایم‌های برنامه‌ریزی شهری در قرن بیستم

پارادایم	دورهٔ نفوذ	مبانی فکری و اجتماعی	اهداف کلان	الگوی طرح‌ها و برنامه‌ها
برنامه‌ریزی جامع	۱۹۲۰ - ۱۹۶۰	خردگرایی و پوزیتیویسم علمی مدیریت متمرکز دولتی	توسعهٔ کلان اقتصادی سازماندهی کالبدی	طرح‌های کالبدی ملی - منطقه‌ای طرح‌های جامع - تفصیلی
برنامه‌ریزی سیستمی	۱۹۶۰ - ۱۹۸۰	نگرش سیستمی به جهان مدیریت علمی سیستم‌ها	بهسازی سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی هدایت و نظارت سیستم شهر	مدل‌سازی سیستم‌های شهری طرح‌های بلند مدت طرح‌های ساختاری - محلی
برنامه‌ریزی دموکراتیک	۱۹۸۰ - ۰۰۰	نگرش راهبردی دموکراسی و خرد جمعی ارزش‌های بومی و محلی	تأمین توسعهٔ پایدار تأمین عدالت اجتماعی مدیریت مشارکتی	سلسله‌مراتب طرح‌ها انواع طرح‌های محلی پروژه‌های طراحی شهری

ماخذ: مهدی‌زاده، ۱۳۸۲

چنانچه در جدول ۱ آمده است برنامه‌ریزی شهری در نیمهٔ دوم قرن بیستم به‌جای توجه صرف به نیازها و طراحی کالبدی به سمت برنامه‌ریزی فرآیندگرا و تعامل‌محور گرایش پیدا کرده است (پورجعفر و معروفی، ۱۳۸۷، ۵۰). به‌عبارتی، رویکردهای برنامه‌ریزی در گذر زمان از رویکردهای پوزیتیویستی و سیناپتیک فاصله گرفته و به رویکردهای مشارکتی متمایل شده است. به‌گونه‌ای که تجربیات جهانی نشان می‌دهد که از دههٔ ۱۹۸۰ م به بعد در برنامه‌های توسعهٔ شهری توجه فزاینده‌ای به رویکرد مشارکتی^۲ صورت گرفته است.

۱.۲. تحلیل سیستمی

مدل تفکر سنتی واقع‌گرایانه بر برداشت مکانیکی از جهان و علیت خطی برای تشریح پدیده‌ها استوار است. تطور تاریخی پارادایم‌های تفکر از تفکر واقع‌گرایانه آغاز شده و به تفکر و پویایی‌های سیستمی انجامیده است (احمدوند و عرب، ۱۳۸۸، ۸۸). تفکر سیستمی به پیوندهای متقابل ساختارها و عملکردهای سیستم باور دارد. این نگرش در پی استخراج الگوهای حاکم بر پیچیدگی‌های سیستم است (Milstein, 2006, 77). تفکر سیستمی در عمل، حاوی هفت ویژگی مهم است: تفکر پویا^۳، تفکر بسته^۴، تفکر عمومی^۵، تفکر ساختاری^۶، تفکر عملیاتی^۸، تفکر پیوسته^۹ و تفکر علمی^{۱۰} (Daividz et al, 2002).

باور به پیچیدگی‌های سیستمی برای مدیران این پیام را دارد که دوران مدیریت از طریق اهداف سلسله‌مراتبی یا از راه منطق از پیش تعیین‌شده و مهار دقیق، به‌سر آمده است. سیستم‌ها پیوسته بین جاذبه‌های مختلف در نوسانند (تبادل پویا) و گاه تغییر کوچکی باعث بروز تغییرات وسیع و ریشه‌ای در سیستم می‌شود. برای مدیریت تغییر در سیستم‌های پیچیده و آشوبناک، روش‌های سنتی دیگر پاسخگو نیست و مدیران باید منطق تغییر در این سیستم‌ها را بیاموزند (اعتباریان، ۱۳۸۶، ۳۵). روش علمی که این تئوری در اختیار ما قرار می‌دهد، تغییر در نوع و مقیاس نگرش به پدیده‌ها است. به‌گونه‌ای که بتوان نظم ساختاری آنها را کشف کرد (عابدی جعفری، صفری، ۱۳۸۴، ۲). در نتیجه، می‌توان گفت تحولات بنیادین در حوزه‌های معرفتی علوم متکی بر

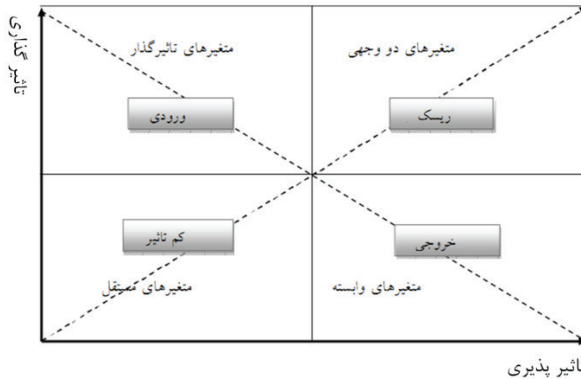
- 3- Participatory Approach
- 4- Dynamic Thinking
- 5- Closed-Loop Thinking
- 6- Generic Thinking
- 7- Structural Thinking
- 8- Operational Thinking
- 9- Continuum Thinking
- 10- Scientific Thinking



پویائی سیستم‌ها، پیچیدگی، عدم قطعیت و ابهام و روابط شبکه‌ای - به‌جای روابط خطی - شکل گرفته است (خواجه‌بوی و مقدم، ۱۳۸۵، ۱؛ رضوی، ۱۳۹۳، ۵۹).

یکی از روش‌های درک نظام و ارتباطات سیستم و تشخیص متغیرهای کلیدی سیستم روش تحلیل ساختاری است. شکل ۱ پلان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرها در سیستم را نشان می‌دهد. براساس این شکل، هر یک از متغیرها با توجه به میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری‌شان در مکانی خاص قرار می‌گیرند. موقعیت متغیرها در نمودار بیانگر وضعیت آن‌ها در سیستم است.

شکل ۱: پلان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرها



ماخذ: (Godet, 2006)

متغیرهای تأثیرگذار: این متغیرها بیشتر تأثیرگذار و کمتر تأثیرپذیر هستند. سیستم بیشتر به این متغیرها بستگی دارد. این متغیرها بحرانی‌ترین متغیرها قلمداد می‌شوند زیرا تغییرات سیستم وابسته به آن‌هاست. مدیریت و کنترل این متغیرها بسیار مهم است. هرگونه تغییری در این متغیرها باعث تغییر در کارکرد سیستم می‌شود.

متغیرهای دو وجهی: این متغیرها بصورت همزمان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بسیار بالایی دارند. وضعیت این متغیرها با عدم پایداری همراه است. زیرا هر عمل و تغییری درباره آن‌ها باعث تغییر در سایر متغیرها می‌شود و همچنین هر تغییری در سیستم باعث تغییر در این متغیرها و اثرگذاری آن‌ها می‌شود. این متغیرها عوامل کلیدی سیستم را تبیین می‌کنند. از آنجایی که این متغیرها دارای اهمیت زیاد و عدم قطعیت بالایی هستند، سناریوهای توسعه براساس این دسته از متغیرها تدوین می‌شود.

متغیرهای تأثیرپذیر یا وابسته: این متغیرها تأثیرگذاری پایین و تأثیرپذیری بالایی دارند. متغیرهای تأثیرپذیر نقش خروجی سیستم را ایفا می‌کنند یعنی حاصل اتفاقات صورت گرفته در سیستم هستند. در واقع چگونگی و عملکرد این متغیرها بسته به پیش آمدن هر یک از سناریوها و همچنین تغییرات صورت گرفته در سایر متغیرها است.

متغیرهای مستقل: متغیرهایی هستند که نخست، اهمیت آن‌ها در تحقق اهداف سیستم در اولویت دوم قرار دارد؛ ثانیاً دامنه تغییر و شدت تغییرات پیش روی آن‌ها کم است. این عوامل مستقل از سایر متغیرها هستند، برای ارتقاء و بهبود آن‌ها باید این عوامل را شناسایی کرد و ترفیع داد (توفیق، ۱۳۹۱، ۶۰۳-۶۰۵). از اهمیت و مزایای این نوع تحلیل در این پژوهش، می‌توان به سیستماتیک‌تر نمودن کردن فرآیندها و خروجی‌ها، افزایش شفافیت ورودی‌ها، فرآیندها و خروجی‌های پروژه آینده‌نگاری، تشکیل‌رزاری میزگردهایی متشکل از افراد گوناگون و به منظور تعامل و ارتباط بازیگران در حوزه‌ها و سیستم شهر محله و کمک به ترسیم آینده‌های

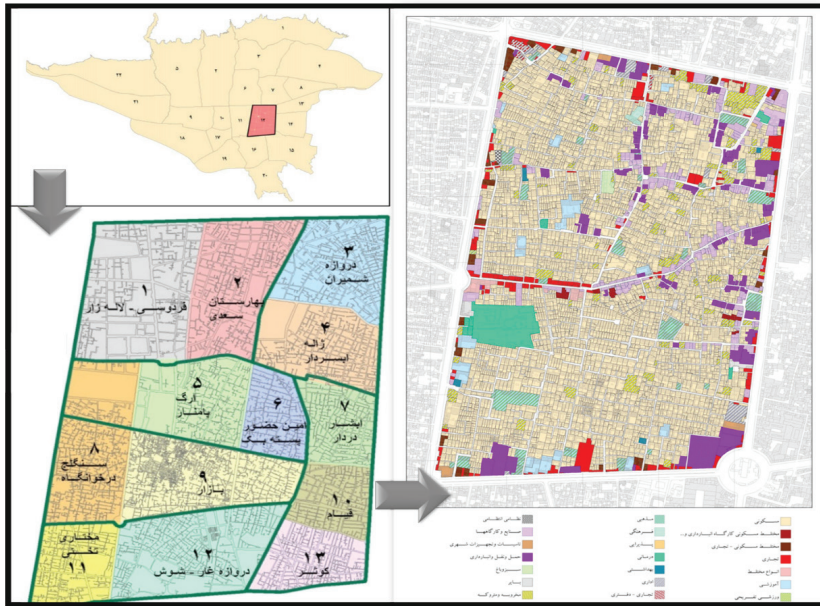
مطلوب یا ممکن اشاره نمود کرد.

۲. معرفی محدوده مطالعه:

محلۀ سنگلج، یکی از سیزده محله‌ی منطقه ۱۲ شهرداری تهران، با مساحتی حدود ۱۰۳ هکتار در ناحیه ۳، از تقسیمات ناحیه‌ای، قرار گرفته است. این محله، بخشی از پیکره تاریخی شهر تهران در دوران‌های صفوی و ناصری است (ر.ک. باوند، ۱۳۸۶).

محدوده مورد مطالعه به دلیل نزدیکی به مرکز تجاری شهر تهران، محل استقرار تعدادی از بورس‌های فروش و تعمیر لوازم خیاطی و عمده فروشی مواد غذایی، تولید کفش و صنایع بسته بندی و لوازم مرتبط با آن و تولید جوراب می باشد است. فعالیت‌های مذکور همراه با انبارهای نگهداری محصولات و مواد اولیه دارای شعاع عملکرد فراشهری هستند. شکل ۲ نقشه شماره یک موقعیت محله سنگلج را نشان می دهد.

شکل ۲ نقشه محدوده جغرافیایی و توزیع فضایی کارکردها در محله سنگلج



۳. ۴- روش‌شناسی پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش مبتنی بر تجزیه و تحلیل کمی است و داده‌ها پس از کمی شدن، پایه مکانی پیدا می کنند و مورد تحلیل قرار می گیرند. بنابراین از نظر روش‌شناسی، پژوهش حاضر از نوع تحقیقات شناخت‌شناسی است. با توجه به ماهیت و مقیاس پژوهش، ابزار تحلیل اطلاعات مورد نیاز براساس بانک اطلاعات مکانی است. پس از تهیه بانک اطلاعات مکانی و داده‌ای، با بهره‌گیری از مدل‌های آماری به تجزیه و تحلیل آماره‌های توصیفی و استنباطی پرداخته می شود. در ارتباط با اطلاعات کیفی، با کمی‌سازی این دسته اطلاعات، مکان پایه‌شده و در تحلیل‌های مکانی دخالت داده می شوند. آمار و داده‌های مورد نیاز شامل دو دسته داده‌های خام آماری (شامل مباحث جمعیتی و خدماتی و کالبدی) و داده‌های مربوط به ادراک ساکنین و تصمیم‌گیران (از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه) در محدوده مورد مطالعه است که با مراجعه به سازمان‌های



مربوط و همچنین نمونه گیری و تهیه پرسش نامه و انجام مصاحبه جمع آوری شده اند^{۱۱}. برای کسب دانش گروهی، از تکنیک دلفی استفاده شده و که فرایندی است که دارای ساختار پیش بینی و کمک به تصمیم گیری در راندهای پیمایشی، جمع آوری اطلاعات و، در نهایت، نوعی اجماع گروهی است (ر.ک: احمدی و همکار، ۱۳۸۷). اکثر پیمایش ها سعی در پاسخ به سؤال «چه هست؟» دارند، دلفی به سؤال «چه می تواند یا چه باید باشد؟» پاسخ می دهد^{۱۲}.

این جنبه از پژوهش - که در پی تعیین عوامل مؤثر بر توسعه محله با تأکید بر نقطه نظرات ذی نفعان و ذی نفوذان است - قائل به وجوه مشارکتی فرایند برنامه ریزی است. برای بررسی عوامل مؤثر بر توسعه محله سنگلج و نیز برای تعیین اهداف و محورهای سناریوهای توسعه محله ای در سنگلج، از نظرهای مردم - که از طریق تکمیل پرسش نامه حاصل شده - و همچنین از ایده های دیدگاه کارشناسان در نهادهای متصدی مدیریت شهری - شامل شهرداری تهران، شهرداری منطقه ۱۲ و ناحیه شهرداری و سازمان زیباسازی تهران - استفاده شده است. پاسخ کنندگان، ۶۰ نفر از افراد بالای ۴۰ سال ساکن در مقیم این محله به روش گلوله برفی و همچنین ۲۰ نفر کارشناس و متخصص شهری بودند. فهرستی از عوامل مؤثر بر توسعه محله ای تهیه شد و مورد پرسش قرار گرفت. برای شناخت و تعیین متغیرها و گزاره های پژوهش، از منابع و اسناد مرتبط استفاده شده است (ر.ک: فنی و صارمی، ۱۳۹۲؛ محمدی و دیگران، ۱۳۹۳؛ خزائی و الهی دهقی، ۱۳۹۲؛ پورجعفر و معروفی، ۱۳۸۷). سپس به طراحی سوالات اقدام پرسش ها طرح و نتایج استخراج شده است. برای تعیین میزان تأثیر گذاری متغیرها بر توسعه محله سنگلج، ابتدا پاسخ ها بر اساس طیف لیکرت - از «یک» برای خیلی کم، تا «پنج»، برای خیلی زیاد - کمی شد و سپس میانگین امتیازهای داده شده به هر سؤال محاسبه گشت. اگر مقادیر میانگین بزرگ تر از عدد ۲/۵ باشد، آن عامل در زمره عوامل کلیدی در محاسبات و ارائه راهبردها لحاظ شده است. جدول ۲ امتیاز متغیرهایی را نشان می دهد که امتیازی بیشتر از ۲/۵ کسب کرده اند.

شناسایی متغیرهای کلیدی: این کار با کمک گرفتن از طبقه بندی مستقیم و غیر مستقیم انجام می گیرد که عبارت اند از:

طبقه بندی مستقیم: همه ارتباطها رابطه های در یک ردیف، نشان دهنده اهمیت تأثیر یک متغیر بر کل سیستم (محله) است. مجموع یک ستون نشان دهنده میزان سطح تأثیر پذیری یک متغیر است (سطح تأثیر پذیری مستقیم).

طبقه بندی غیر مستقیم: برنامه این امکان را می دهد تا گسترش تأثیر را به وسیله مسیرها و حلقه های باز خورد مورد مطالعه قرار داد و سرانجام متغیرها را طبقه بندی کرد. در این پژوهش از طبقه بندی مستقیم استفاده شده است.

جهتبه منظور تحلیل نتایج، در نخستین قدم با یک روش ساده می توان دریافت که تأثیر متغیرها با در نظر گرفتن تعداد گروه های ارتباطی در ماتریس تشکیل شده قابل سنجش است. متغیری که بر تعداد معدودی از متغیرها اثر دارد، تأثیر گذاری اندکی نیز در سیستم نیز دارد. بدینها این ترتیب، تأثیر گذاری بر سیستم و تأثیر پذیری از سیستم را می توان بر اساس جمع امتیازات سطرها و ستون های ماتریس محاسبه نمود کرد (R.toCF: Godet, 2006, 189).

منظور از میانگین اثر گذاری مستقیم گزاره ها در فرایندهای توسعه ای محله مورد مطالعه، یعنی میانگین اهمیت آن ها در توسعه محله بیشتر از ۲/۵ و از جمله عوامل کلیدی در محاسبات و ارائه سناریوها است و بالعکس.

۱۱- برای این منظور، ۶۰ نفر از ساکنان و استفاده کنندگان از فضا و همچنین ۲۰ کارشناس و متخصص شهری به پرسش ها پاسخ دادند و همچنین سایر نکات تکمیلی با توجه به نتایج پرسش نامه های تکمیل شده، از طرح منظر شهری محله سنگلج (۱۳۸۸) استخراج شده است.

۱۲- روش دلفی از جمله روش های ذهنی - شهودی در حوزه آینده نگاری است که نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ در پژوهشی از سوی موسسه رند در امریکا به کار گرفته رفت. در پژوهش حاضر، این روش به منظور تعیین اهداف و محورهای اصلی و خاص با تأکید بر شناخت دیدگاه های مردم و کارشناسان در حوزه برنامه ریزی شهری استفاده شده است. (ر.ک: احمدی و همکار، ۱۳۸۷).



جدول ۲، حاصل ارزیابی گویه ها و گزاره ها و استخراج عوامل کلیدی برای تعیین راهبردهای نهایی است.

جدول ۲. میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرها در راهبرد توسعه ای محله سنگلج

تجزیه و تحلیل

ردیف	متغیر	گزاره	اثرگذاری		میانگین
			خبرستقیم	مستقیم	
1	دولت	الر سیاست‌های دولتی در وضع موجود و توسعه آتی محله	1887	3.22	3.22
2	فرسودگی	اهمیت فرسودگی بافت محله در وضع موجود و توسعه آتی محله	1880	4.14	4.14
3	کارکرد	تأثیر مقیاس عملکردی فضا (وجود تعداد قابل توجهی فضاهای فرامحل)	2458	3.97	3.97
4	بازار	تأثیر نزدیکی محله سنگلج به بازار بزرگ تهران	1890	3.43	3.43
5	هویت	اهمیت هویت تاریخی و قدمت محله در حس تعلق ساکنان	1337	3.3	3.3
6	شهرداری	میزان اعتماد ساکنان به شهرداری	588	2.89	2.89
7	شورای محل	میزان اعتماد ساکنان به شورای محله	718	3.12	3.12
8	سبج	میزان اعتماد ساکنان به سایر نهادهای اجتماعی مانند سبج	400	2.64	2.64
9	سرزندگی	اهمیت میزان سرزندگی فضای محله در وضع موجود و توسعه آتی محله	747	3.45	3.45
10	خاطره‌نگیزی	اهمیت میزان خاطره‌نگیزی فضای محله در وضع موجود و توسعه آتی محله	1002	2.78	2.78
11	جاذبیت	اهمیت میزان جاذبیت محله سنگلج برای سایر افراد به‌عنوان یک فضای خوب شهری	581	2.58	2.58
12	تنوع	اهمیت احساس تنوع در فضا (اختلاف کاربری‌ها-گونیاگویی فرم و...)	1235	2.83	2.83
13	رحمحه	میزان رضایت ساکنان از محله	452	4.35	4.35
14	رسمکن	میزان رضایت ساکنان از وضعیت مسکن	976	3.92	3.92
15	رسمرویش	میزان رضایت ساکنان از امکانات آموزش موجود	590	2.61	2.61
16	رسمرحی	میزان رضایت ساکنان از امکانات تفریحی موجود	884	3.76	3.76
17	ر- خدمات	میزان رضایت ساکنان از خدمات عمومی موجود (نانوازی-بقالی-...)	629	3.63	3.63
18	ر-سراه	میزان رضایت ساکنان از شبکه حمل و نقل (ترافیک سبای پارک و...)	1778	3.52	3.52
19	ر- بهداشت	میزان رضایت ساکنان از خدمات بهداشتی-درمانی	281	2.66	2.66
20	همسایه	میزان و اهمیت تعامل و رابطه با همسایه‌ها از نظر ساکنان	1388	3.27	3.27
21	زیاده	رضایت از جمع آوری زیاده در محله	1139	2.62	2.62
22	آب	رضایت از زیرساخت‌های دفع آب‌های سطحی محله	1139	2.55	2.55
23	ایمنی	رضایت از ایمنی حرکت پیاده در محله (عبور از خیابان اصلی حداقل حرکت پیاده با مسیرهای اصلی سواره)	922	3.21	3.21
24	آیندیت	رضایت از امنیت فضای (بزهکاری ها، متحاذن‌گرایی‌ها و...)	1337	4.56	4.56
25	آرامش	میزان رضایت ساکنان از آرامش (سبج (گودگی صوتی، بو، منظره‌های نامناسب...)	1219	3.34	3.34
26	سواره	قابلیت دسترسی مناسب سواره به همه جای محله	1016	3.42	3.42
27	پیاده	قابلیت دسترسی مناسب و امن پیاده به همه جای محله	1401	3.25	3.25
28	زیبایی	میزان رضایت ساکنان از زیبایی فضای محله (محله چقدر زیبا است؟)	1292	3.44	3.44
29	پیوستگی	احساس انسجام در کل فضای محله (پیوستگی در بافت و ساختار محله، قابل تشخیص بودن حدود محله توسط ساکنین و سایر افراد، قابلیت درگ و مسیرهای در فضا)	684	2.76	2.76
30	پاسخگویی	میزان رضایت افراد در برخورد شدن نیازهای روزانه‌شان (پاسخگویی فضا به نیازهای ساکنان)	516	3.72	3.72

برای تعیین چگونگی اثرگذاری عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه محله سنگلج، مهم‌ترین موارد شناسایی شده، به روش تحلیل ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار «میک مک» به دست آمده‌اند. نرم افزار «میک مک» این امکان را می‌دهد که با کمک گرفتن از ارتباط ماتریسی، همه مؤلفه‌های اصلی یک سیستم را تشریح کرد. با بررسی این ارتباط، روش مربوط امکان آشکار سازی متغیرهای اصلی جهت ارزیابی سیستم را فراهم می‌کند (Godet, 2012: 12-18). عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه محله سنگلج براساس موقعیت‌شان در پلان اثرپذیری و اثرگذاری عوامل دسته‌بندی می‌شوند.

متغیرهای تأثیرگذار: عواملی که تأثیرگذاری بالایی در توسعه محله سنگلج دارند درعین حال کم‌تر از سایر



متغیرها تأثیر می‌پذیرند. از این عوامل، به عنوان ورودی‌های سیستم تعبیر می‌کنند. متغیرهای تأثیر گذار بر سیستم به شرح زیر است:

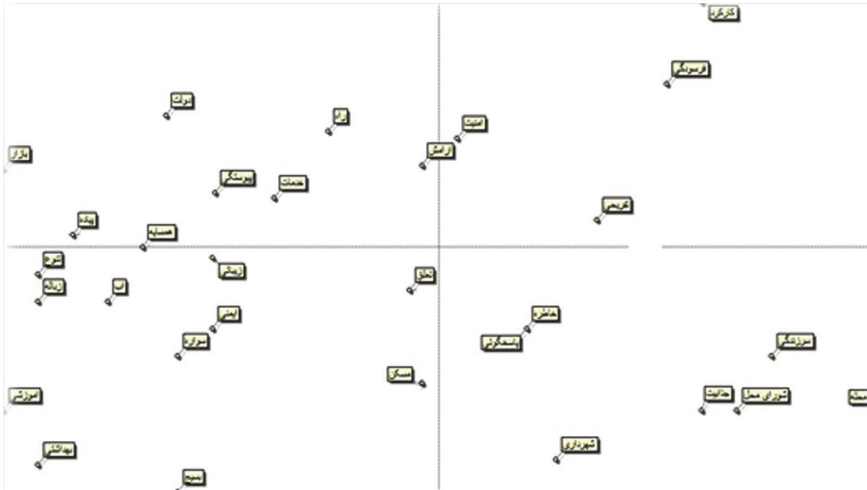
- نزدیکی به بازار (به‌عنوان یکی از عوامل بیرونی و تأثیر گذار بر ساختار فضایی و عملکرد محله سنگلج)
- سیاست‌های دولتی (به‌عنوان عاملی بازدارنده یا مشوق به‌خصوص در تشویق ساکنان به نوسازی)؛
- ترافیک خیابان‌های محاط بر محله سنگلج و نداشتن پارکینگ و ساختار نامناسب شبکه حمل‌ونقل پیرامونی محله؛
- نبودن سطوح خدمات‌رسانی مناسب در داخل محله برای تأمین خدمات پایه ساکنان محله؛
- عدم انسجام و یکپارچگی در ساختار فضایی محله به‌گونه‌ای که ساکنان محله کمتر احساس می‌کنند در یک محله مسکونی زندگی می‌کنند؛
- احساس آرامش نداشتن ساکنان محله به‌علت مجموعه آلودگی‌های بصری، بویایی و صوتی موجود در سطح محله؛
- ضعف ساختار شبکه ارتباطی پیاده‌محور در داخل بافت محله به‌عنوان فضایی که برای افراد و ساکنان بتوانند به راحتی آنجا پیاده‌روی کنند.

متغیرهای دو وجهی: برای توسعه محله سنگلج به‌عنوان یک زیرسیستم نیاز است متغیرهای دارای اثر گذاری و اثرپذیری بالا شناسایی شوند. سپس از انطباق حالات پیش روی این متغیرها سناریوهای توسعه محله استخراج می‌شود. تشریح نتایج تحلیل‌های صورت گرفته نشان می‌دهد، از میان متغیرهای مورد مطالعه، این چهار متغیر جزو متغیرهای استراتژیک در سیستم به‌شمار می‌روند: نقش و عملکرد فرامحلی سنگلج (وجود کاربری‌هایی با مقیاس فرامحلی)؛ نبودن محرک‌های نوسازی و فرسودگی بافت؛ امن نبودن فضای محله؛ و سرانجام نداشتن خدمات تفریحی و رفاهی مناسب برای گذران اوقات فراغت ساکنان.

متغیرهای تأثیرپذیر یا وابسته: در برنامه توسعه محله سنگلج متغیرهایی وجود دارد که تبیین‌کننده شاخص‌های وابسته به سایر عوامل است. مثلاً «رضایتمندی ساکنین بافت‌های فرسوده به‌عنوان یک شاخص محصول مجموعه‌ای از عوامل تأثیر گذار در سیستم است. تحقق سناریو منتخب نیازمند هدایت این شاخص‌ها در راستای جهت‌گیری سناریو منتخب است. برای هدایت این شاخص‌ها، از متغیرهای مستقل استفاده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد، که متغیرهای «رضایتمندی افراد از کیفیت زندگی در محله سنگلج»، «اعتماد افراد به نهادهای عمومی (شهرداری و شورای محله)»، «میزان توانایی محله در پاسخگویی به نیازها و انتظارات ساکنانش»، «سرزندگی فضای شهری و خاطر‌انگیزی و جذابیت فضای شهری» جزو متغیرهای دارای اثرپذیری بالا هستند. متغیر «عملکرد محله قائل به نقش فرامحلی محله سنگلج و وجود کاربری‌هایی با شعاع عملکردی شهری یا ناحیه‌ای^{۱۳} در محله سنگلج است و، چنانچه پیشتر توضیح داده شد، کیفیت سکونت متأثر از این نقش و عملکرد بسیار کاهش یافته است. از سویی دیگر، «محرک‌های نوسازی دیگر متغیر استراتژیک سیستم است. این متغیر بیشتر قائل به ابعاد مدیریتی فضا است. سیاست‌های تشویقی، حمایت‌های دولتی، زمینه‌سازی‌های ذهنی، آموزش شهروندی در راستای ابعاد مثبت نوسازی و... در این حوزه قرار دارند. ضعف محله از وجود پارک، اماکن تفریحی و گردشگری و اماکن به‌عنوان مرکز محله جهت تفریح، معاشرت، گذران اوقات فراغت از دیگر مسائلی بود که اهمیت زیادی در نظر ساکنان داشت. دیگر عامل مهمی که تأثیر زیادی دارد «امنیت» بود. با توجه به حضور افراد غریبه در داخل بافت، فرسودگی بافت، تعدد انبارها و مکان‌های خالی از سکنه در داخل بافت و... «امنیت» یکی از دغدغه‌های اصلی مصاحبه‌شوندگان بود.

۱۳- منظور از «ناحیه» عملکردهای فرامحلی و در سطح خدماتی کمتر از کل شهر است. به‌عبارت دیگر، «ناحیه» در اینجا به معنای بخشی از شهر است.

شکل ۲. پلان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عوامل مؤثر بر توسعه محله سنگلج^{۱۴}



در ادامه، باتوجه به چگونگی و موقعیت عوامل کلیدی شناسایی شده (شکل ۳)، هشت سناریو برای توسعه محله سنگلج ارائه می‌کنیم. این هشت سناریو آینده‌هایی هستند که می‌توان بر اساس واقعیت‌های موجود در فضا، برای محله سنگلج تصور کرد. سپس سناریو مطلوب تعیین می‌شود. باتوجه به اینکه عامل «امنیت»، از نظر ساکنان، بیشترین اهمیت را دارد (میانگین امتیاز این متغیر ۴/۵۶) است، بنابراین در همه سناریوهای پیشنهادی بر ارتقای امنیت فضای شهری تأکید شده است. در ادامه سناریوهای توسعه محله ارائه می‌شود. در تعیین سناریو مطلوب توسعه محله سنگلج، توجه به نکاتی چند ضروری است:

- سناریو منتخب باید در جهت تحقق بیانیه چشم‌انداز محله باشد.
 - تقویت ساختار تفریحی با حفظ نقش و عملکرد فرامحلی و تجاری-انبارداری محله باعث حضور افراد گذری و غریبه در محله می‌شود و به خودی خود با ساختار محله‌ای و امنیت فضای شهری تضاد خواهد داشت.
 - نوسازی بافت بدون توجه به نیاز ساکنان محله به فضاهای تفریحی و همچنین ضرورت بازتعریف ساختاری متمرکز جهت گذران اوقات فراغت و معاشرت ساکنان محله نتیجه‌ای جز از خودبستگی در بافت نخواهد داشت.

- چنانچه در مبانی نظری بحث شد، تأکید بر نقش فرامحلی و مکملی بازار با ماهیت برنامه‌ریزی محله‌محور در تضاد است. بنابراین برای توسعه محله‌محور سنگلج باید از سناریوهایی که تعدیل نقش فرامحلی سنگلج را ملاک عمل قرار نمی‌دهند، پرهیز کرد.

- فرسودگی بافت و همچنین روند فزاینده فرسایش فضای شهری-چه از بعد کالبدی و چه از بعد کارکردی-از نکات مهمی بود که مصاحبه‌شوندگان و کارشناسان به اتفاق بر آن تأکید داشتند. از این رو ضرورت نوسازی بافت و در واقع تجدید حیات شهری محله سنگلج اجتناب‌ناپذیر است. در تجدید حیات شهری بر تقویت ساختار اجتماعی و عملکرد فضا در کنار تقویت کالبد تأکید می‌شود.

- در بحث از ارتقای امنیت فضای شهری، بر سه دسته از راهبردهای ارتقای امنیت تأکید می‌شود. نخست، ارتقای امنیت از طریق معیارهای طراحی محیطی، دوم، ارتقای امنیت از طریق معیارهای نظارت عمومی، و سوم ارتقای امنیت از طریق معیارهای نظارت نهادی و ارگانی. باتوجه به اهمیت برقراری امنیت در ارتقای کیفیت زندگی محله سنگلج، ضرورت کاربست راهبردهای مبتنی بر هر سه نوع امنیت فوق اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

۱۴- ضرایب میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرها در محله سنگلج در جدول پیوست آمده است.



از این روی سناریو منتخب باید رویکردی پاسخگو به هر سه دسته الزامات امنیتی فوق داشته باشد. طراحی محیطی هنگامی اتفاق خواهد افتاد که فرایندهای نوسازی در بافت محله صورت پذیرد و قدرت مداخله جدی در بافت حاصل شود. نظارت عمومی هنگامی اتفاق می‌افتد که محله مکان تعامل ساکنان باشد و افراد نسبت به رفتارها و واکنش سایرین در فضای شهری احساس مسئولیت کنند. این امر در صورتی میسر خواهد بود که نقش فرامحلی سنگلج تعدیل شود. نظارت نهادی نیز نیازمند تصمیم‌گیری در سطوح دولتی خواهد بود. بسیج و نیروی انتظامی می‌توانند در این زمینه مفید واقع شوند.

باتوجه به مطالب مطرح شده، نتیجه می‌گیریم که سناریوهای ۱ تا ۴ به علت تأکید بر نقش و عملکرد فرامحلی در راستای چشم‌انداز محله نخواهند بود. سناریو ۶ به علت کم‌توجهی به ضعف موجود در ساختار تفریحی-فرهنگی محله مطلوبیت کمتری نسبت به سناریو ۵ خواهد داشت. سناریوهای ۶ و ۷ به علت بی‌توجهی به عامل نوسازی مطلوب نخواهد بود. در نتیجه، سناریو ۵، سناریو مطلوب برای توسعه آتی محله سنگلج است.

جدول ۳. سناریوهای توسعه محله سنگلج

محورهای سناریو ردیف	نقش و عملکرد محله	فرسودگی	ایمنی	تفریحی-فرهنگی
سناریو ۱	حفظ نقش و عملکرد فرامحلی و تجاری-آبادداری کنونی	نوسازی بافت	ارتفاع ایمنی فضا از طریق طراحی کالبدی و نظارت نهادی	تقویت ساختار تفریحی-فرهنگی محله
سناریو ۲	حفظ نقش و عملکرد فرامحلی و تجاری-آبادداری کنونی	نوسازی بافت	ارتفاع ایمنی فضا از طریق طراحی کالبدی و نظارت نهادی	عدم توجه جدی به تقویت نقش تفریحی-فرهنگی محله
سناریو ۳	حفظ نقش و عملکرد فرامحلی و تجاری-آبادداری کنونی	عدم اقدامات مؤثر جهت نوسازی بافت	ارتفاع ایمنی از طریق نظارت نهادی	تقویت ساختار تفریحی-فرهنگی محله
سناریو ۴	حفظ نقش و عملکرد فرامحلی و تجاری-آبادداری کنونی	عدم اقدامات مؤثر جهت نوسازی بافت	ارتفاع ایمنی از طریق نظارت نهادی	عدم توجه جدی به تقویت نقش تفریحی-فرهنگی محله
سناریو ۵	تعدیل نقش و عملکرد فرامحلی و تجاری-آبادداری کنونی	نوسازی بافت	ارتفاع ایمنی فضا از طریق طراحی کالبدی و نظارت عمومی، نظارت نهادی	تقویت ساختار تفریحی-فرهنگی محله
سناریو ۶	تعدیل نقش و عملکرد فرامحلی و تجاری-آبادداری کنونی	نوسازی بافت	ارتفاع ایمنی فضا از طریق طراحی کالبدی و نظارت عمومی، نظارت نهادی	عدم توجه جدی به تقویت نقش تفریحی-فرهنگی محله
سناریو ۷	تعدیل نقش و عملکرد فرامحلی و تجاری-آبادداری کنونی	عدم اقدامات مؤثر جهت نوسازی بافت	ارتفاع ایمنی از طریق نظارت عمومی و نهادی	تقویت ساختار تفریحی-فرهنگی محله
سناریو ۸	تعدیل نقش و عملکرد فرامحلی و تجاری-آبادداری کنونی	عدم اقدامات مؤثر جهت نوسازی بافت	ارتفاع ایمنی از طریق نظارت عمومی و نهادی	عدم توجه جدی به تقویت نقش تفریحی-فرهنگی محله

ماخذ: نگارندگان

۴. بحث

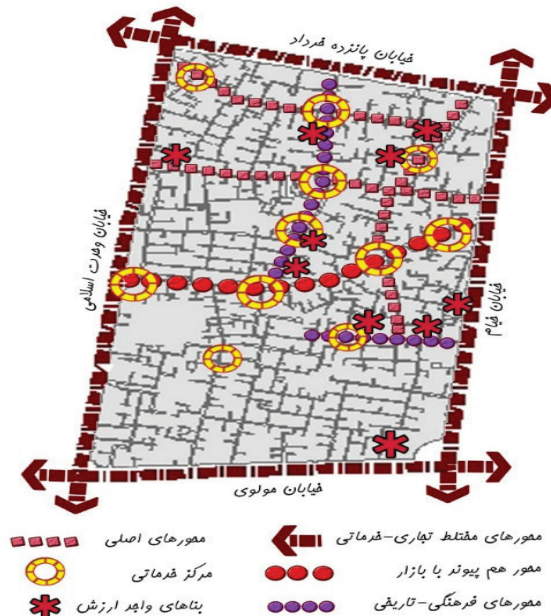
بررسی ویژگی‌های سازمان فضایی، شالوده و استخوان‌بندی در محله سنگلج نشان می‌دهد که عامل بیرونی «بازار تهران» بر سازمان فضایی شهر تأثیر بسزائی گذاشته است. از این رو در بررسی سازمان فضایی محله سنگلج بررسی چگونگی هم‌پیوندی میان بازار و محله سنگلج و همچنین تعیین محورهای هم‌پیوند با بازار حائز اهمیت بسیار است. لازم به ذکر است، تأثیر بازار تنها به پیوندهای فیزیکی شبکه معابر محله سنگلج محدود نمی‌شود بلکه بر استقرار کاربری‌های موجود در محدوده و نقش غالب محله نیز اثر گذار بوده است. به طوری که



محورهای خیابان‌های پیرامونی محله یعنی خیابان‌های مولوی، خَیام، پانزده خرداد و وحدت اسلامی همگی تمرکز استقرار کاربری‌های تجاری-خدماتی با سطح سرویس فرامحله‌ای هستند. این امر سبب گشته است علاوه بر حضور طیف وسیعی از افراد غیرمحلی در داخل بافت، نیازهای ساکنان محله در تأمین خدمات پایه به‌خوبی تأمین نگردد. به‌تبع، از تعداد قابل توجهی از بناهای داخل محله به‌عنوان انبار و کاربری‌های پشتیبان بازار یا خدمات فرامحلی مستقر در محورهای اصلی پیرامون محله استفاده می‌شود.

از دیگر نکات مهم در بررسی سازمان فضایی محله سنگلج ماهیت تاریخی آن است. قدمت محله سنگلج و همچنین بافت ریزدانه آن سبب شده است که ارتباطات فضایی درون بافت به‌شکل مناسبی تأمین نشود. این امر روند فرآیندها افت شهری را در محدوده سبب می‌شود. به‌گونه‌ای که در ساختار شبکه ارتباطی درونی بافت انسجام مناسبی وجود ندارد. به‌طور کلی بخش جنوبی محله جدا از بخش شمالی آن است. توزیع متناسبی از مراکز محله در داخل بافت وجود ندارد. سلسله‌مراتب شبکه راه‌های داخل محله به‌درستی تعیین نشده است. همچنین ارتباط تعریف‌شده و ساختارمندی میان مراکز درونی محله سنگلج وجود ندارد. از سویی دیگر، مراکز محله بیش از اینکه حاصل فرآیندی برنامه‌ریزی شده و هدایت‌شده باشد، حاصل روندهای تاریخی و مورفولوژیکی محله است، از این‌رو جهت ایفای نقش مرکزیت محله‌ای خود و ارائه خدمات محله‌ای به‌خوبی تجهیز نشده است. باید دقت کرد که سازمان‌یابی بافت بر پایه نظام محله‌ای در گذشته شکل گرفته است؛ از این‌رو سازماندهی آن در زمان حاضر باید در توافق با نظام پیشین صورت پذیرد. کالبد مکان طرح در بخش‌های جنوب و شمال آن، هم‌پیوندی لازم را ندارند. ایجاد انسجام بین اجزا با تکیه بر تقویت ساختار تاریخی و توسعه آن، می‌تواند بافت را یکپارچه و بخش جدید را در نسبت معناداری با بخش قدیم قرار دهد. یعنی تقویت استخوان‌بندی اصلی و توسعه آن در بخش جنوبی فضا و در پیوند با شالوده‌های فرعی می‌تواند به کالبد فضا انسجام لازم را ببخشد. شکل ۴ نقشه سازمان فضایی محله سنگلج را نشان می‌دهد.

شکل ۴. نقشه استخوان‌بندی اصلی محله سنگلج



ماخذ: نگارندگان



راهبردهای ارائه شده در این پژوهش، راهبردهایی هستند که در جهت تحقق سناریو منتخب تعریف شده‌اند. این راهبردها تنها بر چهار جنبه مطرح شده در سناریو منتخب تأکید دارند. با توجه کردن به این راهبردها می‌توان انتظار داشت آینده بلندمدت محدوده مورد مطالعه به آینده مطلوب شناسایی شده منتهی شود. برای استخراج این راهبردها از مطالعات پایه و همچنین نتایج پرسش‌نامه‌های تکمیل شده و تحلیل‌های صورت گرفته استفاده شده است. بدین شرح که ابتدا نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصت‌های شناسایی شده در زمینه نقش و عملکرد و نیز ویژگی‌های کالبدی و کیفی محله سنگلج استخراج شده و سپس راهبردهای متناسب با هر یک از ابعاد سناریو تعیین شده است.

جدول ۴. راهبردهای نهایی حاصل از سناریوی توسعه محله سنگلج

زمینه	راهبرد	
نوسازی بافت	<ul style="list-style-type: none"> - نوسازی نظام مسکن در توافق با نظام کهن - مرمت و بهسازی ساختمان‌های با ارزش مسکونی در محدوده محله و استفاده از آنها برای فعالیت‌های فرهنگی، هنری؛ - تخریب و بازسازی واحدهای مسکونی که قابلیت نگهداری ندارند و احداث واحدهای مسکونی با ابعاد و شاخص‌های متفاوت برای جذب اقبال گوناگون جامعه، شخصی و استیجاری با طیف متنوعی از گونه‌ها، مساحت‌ها و قیمت‌ها در یک محدوده هم‌جواری؛ - اعصال سیاست‌های تشویقی برای جذب سرمایه‌گذاران خصوصی جهت ساخت مسکن البته منازل متنوع برای ساکن شدن اقوام جوان و پیر، ثروتمند و فقیر، و مجرد؛ - مشارکت ساکنین در شکل دهی به مسکن و توانمندسازی ساکنین برای نوسازی ساختمان‌های با ارزش قابل نگهداری؛ - الگو برداری از ساختمان‌های با ارزش موجود در بافت برای ایجاد حداکثر هماهنگی در بافت؛ - ترغیب به تجسیم در نسبت با نوسازی ساکن با آستانه‌های مساحتی زیر ۱۵۰ متر مربع با تکیه بر مکانیزم‌های حمایتی (افزایش تراکم)؛ - طراحی بر اساس ساختار سنتی محلات مسکونی؛ - تأمین و آسان کردن دسترسی‌های سواره برای ورود ساکنان به بافت؛ تسهیل نفوذپذیری به بافت به‌ویژه در جاهایی که اصلاً امکان نفوذپذیری وجود ندارد؛ ایجاد شبکه معابر سواره؛ - نظارت دقیق بر کیفیت ساخت ساختمان‌های جدید برای استفاده چند نسل و افزایش دوام ساختمان‌ها و رعایت ضوابط مبحث ۱۹. 	
	نقش و عملکرد فضا	<ul style="list-style-type: none"> - تعدیل در تغییر کاربری مسکونی به نفع تأمین خدمات عمومی؛ - ارتقای میزان رضایت ساکنان از محیط محله از طریق فراهم کردن زمینه رفع نیازهای روزانه آنها در محله (این امر موجب پایداری یا بالا رفتن مدت سکونت در محله نیز می‌گردد)؛ - استقرار خدمات مورد نیاز ساکنین در مرکز محله شامل: ترکیبی از فروشگاه‌ها، ادارات، آپارتمان‌های مسکونی و خانه‌ها در محله همراه با ترکیب‌های متفاوتی از واحدهای همسایگی، بلوک‌ها و ساختمان. - احداث ساختمان‌ها، فروشگاه‌ها و خدمات بیشتر جمع‌شده در کنار هم برای تسهیل پیاده‌روی، برای امکان استفاده کارآمد از خدمات و منابع، برای خلق یک مکان با آسایش و لذت بیشتر برای زندگی. - طراحی ورودی‌های محله و تقویت مرکز محله.



<ul style="list-style-type: none"> - شناسایی نقاط پنهان و از بین بردن نقاط ناامن؛ - طراحی فضا با رویکردهای مبتنی بر پیشگیری از زمینه‌های بروز جرائم؛ - نورپردازی و روشنایی معابر و کانون‌های جرم‌خیز؛ - طراحی فضا به گونه‌ای که قابلیت رؤیت فضا از دور را داشته باشد؛ - بسترسازی برای فعال نمودن فضا برای گروه‌های مختلف جامعه؛ - تقویت زندگی شبانه محله؛ - ایجاد مراکز محله‌ای به عنوان کانون‌های تجمع و با کاربری‌های مختلط در مقیاس محلی. 	شناسایی
<ul style="list-style-type: none"> - تقویت نظام محله‌ای و پیوند مناسب این نظام از طریق ایجاد سلسله‌مراتب خدمات و دسترسی (با تأکید بر محورهای پیاده)؛ - تقویت ساختارهای اجتماعی- فرهنگی موجود در قالب نظام محله‌ای؛ - تقویت ساختار محله‌ای مبتنی بر نظام کهن؛ - تقویت گستره‌های مختلط در لبه‌های فضا؛ - ایجاد انسجام بین اجزا با تکیه بر تقویت ساختار تاریخی؛ - فعال کردن عرصه عمومی محله سنگلج از طریق گسترش فضاهای عمومی، فضاهای سبز مناسب برای گردآمدن اجتماعات محلی، مسیرهای مخصوص پیاده، برای افزایش تعاملات و دیدارهای رودررو؛ - گنجاندن انواع پارک‌ها در سطح محله. تعریف‌کردن و رطه‌دادن فضاهای باز محله و زیرمحله‌های مختلف به یکدیگر؛ - ایجاد معابر در بخش‌های جنوبی بافت در جهت پیوند با ساختار تردی فضا؛ - تقویت نظام محله‌ای و پیوند مناسب این نظام از طریق ایجاد سلسله‌مراتب خدمات و دسترسی (با تأکید بر محورهای پیاده)؛ - افزایش قدرت نظارتی نهادهای محلی مانند بسیج و ارگان‌های دولتی مانند نیروی انتظامی؛ - تقویت نظام اجتماعی و سرمایه اجتماعی محله با هدف نظارت عمومی افراد بر رفتارها. 	تقویت

ماخذ: نگارندگان

۵. نتیجه‌گیری

تطور تاریخی رویکردهای برنامه‌ریزی نشان می‌دهد که رویکردهای برنامه‌ریزی در طی زمان تغییر کرده‌اند. مثلاً رویکردهای برنامه‌ریزی جامع مبتنی بر عقلانیت و پوزیتیویسم محض در دهه ۱۹۶۰ رواج داشت. برنامه‌ریزی سیستمی و راهبردی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مبتنی بر تفکر سیستمی و در نهایت برنامه‌ریزی‌های منعطف‌تر و مشارکت‌محوری چون برنامه‌ریزی گام به گام و برنامه‌ریزی دموکراتیک در دهه‌های اخیر ایجاد شده است. تلفیق رویکردهای آینده‌محور و مدل‌های سنتی برنامه‌ریزی استراتژیک علاوه بر اینکه نیازمند درک واقعی یک رویکرد آینده‌محور است (تحلیل روش‌هایی همچون برنامه‌ریزی بر پایه سناریو و تحلیل سیستمی) به یک مفهوم‌سازی مجدد بنیادی در مورد خود مدل‌های برنامه‌ریزی استراتژیک نیازمند است. در این پژوهش فعالیت سناریوسازی برای برنامه‌ریزی آتی توسعه محله‌های سنگلج ابتدا بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی محله آغاز شد. سپس به‌طور موازی نسبت به پیمایش و برداشت محیط و ارزیابی کارشناسی و همچنین تکمیل ۸۰ پرسش‌نامه اقدام شد. سرانجام با توجه به شناخت میدانی و کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه‌ها و پرسش‌نامه‌های تکمیل شده چشم‌انداز توسعه محله سنگلج تدوین شد. برای تعیین عوامل مؤثر بر توسعه محله سنگلج میانگین امتیاز متغیرهای مورد پرسش محاسبه و آن‌هایی که امتیازی بیشتر از میانگین داشتند، به‌عنوان متغیرهای کلیدی تعیین شدند.

برای تعیین چگونگی تأثیرات عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه محله سنگلج مهم‌ترین عوامل شناسایی شده با



استفاده از جدول تحلیل اثرات متقابل تحلیل شد. پس از شناسایی ضرایب اثرگذاری و اثرپذیری و همچنین ماهیت ساختاری عوامل کلیدی مؤثر بر توسعهٔ محلهٔ سنگلج، سناریوهایی برای توسعه عرضه شد. برای این منظور، از عوامل کلیدی که دارای بیشترین اثرگذاری و نیز عدم قطعیت بودند، استفاده شد. چهار عامل کلیدی عبارت‌اند از: فرسودگی، عملکرد محله، امنیت و خدمات تفریحی-فرهنگی. به عبارت دیگر، این عوامل واجد ویژگی‌های لازم برای ترسیم سناریوهای توسعهٔ محله تشخیص داده شدند. سناریو منتخب به شرح زیر است: تعدیل نقش و عملکرد فرامحلی و تجاری-انبارداری کنونی همراه با نوسازی بافت و تقویت ساختار تفریحی-فرهنگی محله و همچنین ارتقای ایمنی فضا از طریق طراحی کالبدی، نظارت عمومی و نظارت نهادی. پس از ارائهٔ سناریوهای توسعه، سناریو منتخب فوق ملاک برنامه‌ریزی برای توسعه محله‌ای قرار خواهد گرفت. از این رو تلاش می‌شود راهبردهای مقتضی در جهت تحقق این سناریو ارائه شود. جهت استخراج این راهبردها از مطالعات شناخت و همچنین نتایج پرسش‌نامه‌های تکمیل شده و تحلیل‌های صورت گرفته استفاده شده است. بدین شرح که نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصت‌های شناسایی شده در زمینهٔ نقش و عملکرد و نیز ویژگی‌های کالبدی و کیفی محلهٔ سنگلج استخراج و سپس راهبردهای متناسب با هر یک از ابعاد سناریو تعیین می‌شود.

کتابنامه

- اجلالی، پرویز، رفیعان مجتبی، عسگری، علی (۱۳۹۱). نظریه‌های برنامه‌ریزی: دیدگاه‌های سنتی و جدید، تهران: انتشارات آگاه، چاپ اول.
- احمدی، فضل‌الله، خدیجه نصیریانی و پروانه اباذری (۱۳۸۷). تکنیک دلفی ابزاری در تحقیق، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، بهار و تابستان، دوره ۸، شماره ۱، (صص. ۱۷۵-۱۸۵).
- احمدوند علی محمد، عرب امیر مسعود (۱۳۸۸) کاربرد روش شناسی پویائی سیستم در پلیس، **دوماهنامه توسعه انسانی پلیس**، سال ششم، شماره ۲۵ (صص. ۸۷-۱۰۴)
- اعتباریان اکبر (۱۳۸۶) نظم در آشوب، **ماهنامه تدبیر** - سال هجدهم- شماره ۱۹۰، (صص. ۳۵-۴۰).
- باوند، مهندس‌ان مشاور (۱۳۸۲)، **بررسی مسائل توسعه شهری**، منطقه ۱۲ تهران، ۹ جلد.
- باوند، مهندس‌ان مشاور (۱۳۸۶) **گزارش طرح تفصیلی منطقه ۱۲ تهران**
- پورجعفر، محمدرضا؛ معروفی، سکینه؛ (۱۳۸۷) بعد اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد پنهان در برنامه ریزی، طراحی و اجرای طرح‌های ساماندهی و احیای بافت‌های فرسوده؛ **مدیریت شهری** - شماره ۱۹، (صص. ۴۷-۵۸).
- توفیق فیروز، (۱۳۹۱) **برنامه ریزی در ایران و چشم انداز آینده آن**، تهران: موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی،
- حنفی زاده، پیام؛ اعرابی، سید محمد؛ هاشمی، علی. (۱۳۸۵) "برنامه‌ریزی استراتژیک استوار با استفاده از برنامه‌ریزی سناریو و سیستم استنتاج فازی". **فصلنامه مدرس علوم انسانی**، تابستان، (صص. ۱۳۷-۱۷۰)
- خرزائی. سعید و ایرج الهی دهقی (۱۳۹۲) عوامل موفقیت در آینده نگاری ملی، **فصلنامه آینده پژوهی**، سال (۲۹) ۴-۲۷.
- خواجوی محمد، حسینی مقدم محمد (۱۳۸۵) آینده نگاری فناوری بر اساس پارادایم آشوب شناسی، اولین همایش آینده پژوهی فناوری و چشم انداز توسعه، تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱-۴ خردادماه.
- خوداوند، مهندس‌ان مشاور (۱۳۸۸)، **گزارش مرحله اول طرح منظر شهری محله سنگلج در محدوده شمالی**
- رضوی سیده حوری، عبادتی امید مهدی، خاکستری مرضیه (۱۳۹۳) استخراج دانش در محیط‌های آشوب (رهیافت ساختار یادگیری هیجانی مغز) **فصلنامه مهندسی تصمیم**، شماره ۱، (صص. ۵۷-۸۱).
- طرح محیط پایدار، مهندس‌ان مشاور (۱۳۸۸) **گزارش مرحله اول طرح منظر شهری محله سنگلج در**

محدوده شرقی.

عابدی جعفری حسن، صفری حسین (۱۳۸۴) بررسی مراحل عمر سیستم های پیچیده و ناشناخته، تهران: سومین کنفرانس ملی مدیریت. فنی. زهره و فرید صارمی (۱۳۸۸) چالش های نظام مدیریت شهری در ایران (کلانشهر تهران) فصلنامه صفا (۴۷)، دانشگاه شهید بهشتی، (صص. ۹۱-۱۰۸).

فنی. زهره و فرید صارمی (۱۳۹۲) توسعه پایدار محله ای در کلانشهر تهران؛ مطالعه موردی: محله بهار در منطقه ۷، فصلنامه جغرافیا و توسعه (۳۰) ۳۵-۵۶.

کرامت زاده، ع. و محمدی، م. (۱۳۸۷). تفکر راهبردی و آینده پژوهی. سیاست دفاعی، ۶۲، ۱۱۳-۱۴۰.

محمدی محمود، گوهری نسب انسیه، باباپور حسین (۱۳۹۳) مقایسه تطبیقی نظام برنامه ریزی و تهیه طرح ایران و انگلستان، نخستین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه.

محمدی محمود، ایزدی آرزو، (۱۳۹۳)، سنجش کیفیت محیط سکونت در محلات شهر اصفهان از دید مدیران شهری، فصلنامه برنامه ریزی فضایی جغرافیا، سال چهارم، شماره ۳، پاییز، (صص. ۷۷-۹۸)

مرادی مسیحی، وراز، (۱۳۸۴)، برنامه ریزی راهبردی و کاربرد آن در شهرسازی ایران نمونه موردی کلانشهر تهران، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

مشفق وحید، یوسفیان سمیرا (۱۳۹۳) "روش تحقیق در پژوهش های آینده نگاری" نخستین همایش روش تحقیق در شهرسازی و معماری، دانشگاه یزد، مهدیزاده، جواد. (۱۳۸۲). برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری. تهران: مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

Godet, Michel. (2012) "Reflections on the Field and Differences between Foresight and La Prospective- To Predict or to Build the Future?", Godet, Michel. The Futurist 46.3, Godet, Michel. (2006) "Creating Futures: Scenario Planning as a Strategic Management Tool". France, Economic publish.

Milstein B. (2008) Hygeia's constellation: navigating health futures in a dynamic and democratic world. Atlanta, GA: Syndemics Prevention Network, Centers for Disease Control and Prevention; April 15.

David Hindi L, Nightingale Deborah J, Rhodes Donna H (2008), Enabling systems thinking to accelerate the development of senior systems engineers, MIT Sociotechnical System Research Center, Volume 11, Issue 1, pages 1-14, Available in: <https://dspace.mit.edu/handle/1721.1/84536?show=full>

